

# مدارس هنر در گذر زمان

به‌طور رسمی برعهده می‌گرفت. در واقع تاسیس دارالفنون شروع تحولی در ساختار آموزش کشور بود. دو سال بعد از راه‌اندازی دارالفنون، نقاشی و موسیقی نیز بر پایه اصول آکادمیک به رشته‌های تحصیلی این مرکز اضافه شد. روش‌های تکنیکی و اندیشه‌های نو با روش عینیت علمی رواج پیدا کرد. در همین مدرسه بود که کمال‌الملک مبنای هنر را از مزین‌الدوله فرا گرفت و بر جریان بعدی هنر در ایران تأثیر گذاشت.

**مجمع‌الصنایع ناصری:** ابوالحسن غفاری به‌عنوان پیشگام هنر گرافیک ایران، برای اولین بار فن چاپ و گراورسازی را در مجمع‌الصنایع ناصری که امیرکبیر آن را در سال ۱۲۶۸ خورشیدی راه‌اندازی کرده بود، پایه‌گذاری کرد و با همراهی تعدادی از هنرمندان و صنعتگران، کتاب «هزار و یکشب» را با استفاده از صنعت چاپ مصورسازی کرد.



مدرسه صنایع مستظرفه

**مدرسه صنایع مستظرفه:** با شکل‌گیری مشروطه، هنر، پوسته درباری خود را شکافت و به میان مردم راه یافت. این‌کار با اقدام کمال‌الملک برای تاسیس مدرسه صنایع مستظرفه شکل عملی به خودگرفت. «محمدغفاری» ملقب به «کمال‌الملک» از دست‌پرودگان نظام آموزشی دارالفنون، که شناخت و اطلاعات قابل‌توجهی در زمینه‌های نقاشی، تاریخ و زبان فرانسه داشت و از سوی ناصرالدین‌شاه مقام نقاشباشی را دریافت کرده بود، در سال ۱۲۸۹ خورشیدی، مدرسه صنایع مستظرفه را به‌عنوان نخستین مدرسه رسمی نقاشی ایران با هفت هزار تومان راه‌اندازی کرد. کمال‌الملک با تربیت رایگان تعداد زیادی هنرمند، نقاشی کلاسیک ایران را پایه‌گذاری کرد و بسیاری از این شاگردان، بعدها در کار هنری و تدریس

آموزش هنر در ایران از ابتدا تا پیش از تاسیس دارالفنون، با سنت نقل‌سینه به سینه پیوند خورده بود. در کارگاه‌های هنر، شاگردان مرید استاد بودند و استاد هم اصول و رموز کار را به‌تدریج در اختیار آن‌ها می‌گذاشت. در واقع تدریس و تعلیم نقاشی به‌صورت رسمی وجود نداشت، تشویق و ترغیب هم در میان نبود، هرچه بود در تعلیمات خصوصی و خانگی خلاصه می‌شد. همین شکل از آموزش، باعث انحصار نقاشی در دست برخی از خانواده‌ها مثل خانواده غفاری در کاشان یا امامی در اصفهان شد، که نقاشان زیادی را به جامعه تحویل دادند. نقاشان آن روزگار به سه طبقه تقسیم می‌شدند: ۱- گروه نقاشان درباری که با امکانات خوب مالی آثارشان را تولید می‌کردند و از امتیازات خاصی برخوردار بودند. ۲- نقاشانی که در بازار حجره داشتند و آثاری را تولید می‌کردند که مورد پسند عامه مردم بود. ۳- نقاشانی که کار آن‌ها بیشتر فنی بود و نقاشان قهوه‌خانه در این زمره بودند. از سوی دیگر، نقاشی‌ها به لحاظ شیوه و موضوع هم متفاوت بودند که می‌توان آن‌ها را نیز در سه دسته جای داد: گروهی که بر طبق شیوه‌های سنتی نگارگری ایرانی کار می‌کرد، گروهی که با سبک فرنگی آثار خود را به‌وجود می‌آورد و گروه سومی که در حد فاصل این دو گروه فعالیت می‌کرد و آثارش در زمره نقاشی عامیانه قرار داشت. در میان نقاشان دربار، مقامی بود به نام نقاشباشی که در راس هنرمندان دیگر قرار داشت. نقاش‌باشی، فردی امین و نزدیک به پادشاه بود که بر کار دیگر نقاشان نظارت می‌کرد، تا علاوه بر رسیدن به نتایج مطلوب، نوعی یکدستی و هماهنگی در آثار تولید شده به‌وجود آید. به‌ترتیب، انحصار هنر چه در میان خانواده‌ها، چه در دربار باعث شد تا مردم عامی کمتر به آن دسترسی داشته‌باشند. اما از دوران قاجار، تحولاتی در امر آموزش رخ داد که به گستره هنر نیز سرایت کرد. در این نوشتار قصد داریم مروری بر سیر تاریخی تشکیل نخستین هنرستان تا دانشگاه هنر داشته باشیم.

**نخستین هنرستان:** دولت ایران که برای همگام شدن با تحولات غرب عزم خود را جزم کرده بود، نقاشان را برای فراگرفتن فن نقاشی غربی اعزام اروپا کرد. در میان نقاشان اعزام شده، نام «ابوالحسن غفاری کاشانی» پررنگ‌تر از دیگران به چشم می‌خورد. رهاورد سفر او، همراه آوردن وسایل چاپ سنگی، وسایل آموزشی برای نقاشی و باسمه‌های رنگی، تأثیرپذیری از روش هنرکده‌های غربی و شناخت آثار ایشان بود. در سال ۱۲۴۰ خورشیدی، ناصرالدین‌شاه ضمن اعطای لقب «صنیع‌الملک» به ابوالحسن غفاری، اجازه راه‌اندازی نخستین هنرستان نقاشی را به او داد. هرچند میرزا ابوالحسن خان در نظام سنتی استاد-شاگردی بار آمده بود، اما با فراگیری شیوه نقاشی اروپایی، این دو رویکرد هنری را درهم آمیخت و با این دیدگاه به آموزش هنر پرداخت. با این‌که برنامه درسی ابوالحسن غفاری از روی برنامه‌های مدارس اروپایی تنظیم شده بود و آثار خلق شده در مکتب او از نظر واقع‌گرایی، پرسپکتیو، اسلوب سایه‌روشن و الگوبندی با معیارهای اروپایی منطبق بود، ولی تناقضی با تعالیم سنتی هنر در ایران نداشت.

**دارالفنون:** امیرکبیر-صدراعظم ناصرالدین‌شاه- در ادامه خدمت‌هایی که برای مردم انجام داد، دارالفنون را در سال ۱۲۶۸ خورشیدی تاسیس کرد، تا استادان اروپایی مباحث و یافته‌های جدید علمی را به جوانان ایرانی آموزش دهند. این اولین بار بود که دولت مسئولیت تعلیم و تربیت را



مدرسه دارالفنون

۱- چون هنوز اصل ممانعت کلامی و فقهی نقاشی در بین گروه‌هایی از جامعه جاری بود.  
۲- موضوع این نقاشی‌ها حماسی و مذهبی بود و برای استفاده نقالان در قهوه‌خانه‌ها کشیده می‌شد.  
۳- قالب‌هایی برای چاپ



**مدرسه صنایع قدیمه:** با تاسیس مدرسه صنایع مستظرفه، هنر به شیوه آکادمیک افراد زیادی را به خود جذب کرد. برای این که شیوه‌های هنرهای سنتی به فراموشی سپرده نشود، در سال ۱۳۰۹ خورشیدی، هنرستانی با عنوان «صنایع قدیمه» با سرپرستی استاد «حسین طاهرزاده بهزاد» تاسیس شد. در این مدرسه هنرهایی چون: زری‌بافی، سفالگری، خاتم‌سازی، قلم‌زنی و ... مورد توجه قرار گرفت و تحولی در آن‌ها ایجاد شد. نام این هنرستان بارها تغییر یافت تا این که سرانجام هنرهای سنتی، تحت پوشش «معاونت حفظ و احیای میراث فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی» درآمد و کارگاه‌های مختلف به فعالیت خود ادامه دادند. از اساتید مطرح این هنرستان می‌توان به وفا کاشانی، هادی تجویدی و احمد امامی، اشاره کرد.

**هنرستان عالی موسیقی:** نخستین حرکت در مسیر آموزش موسیقی در ایران، سال ۱۲۳۵ خورشیدی بود که دو کارشناس خارجی برای آموزش دسته موزیک نظام، گروهی تشکیل دادند، ولی شروع آموزش رسمی موسیقی از مدرسه دارالفنون آغاز شد. پس از آن، با استقلال کلاس موسیقی از مدرسه دارالفنون، فعالیت مدارس و هنرستان‌های متعدد

در این حوزه گسترش یافت. با تاسیس اداره موسیقی در ۱۳۱۷ خورشیدی، آموزش، نظارت و تالیف کتاب‌های موسیقی و اجرای کنسرت‌ها سامان‌دهی شد و هنگامی که هنرستان موسیقی به «هنرستان عالی موسیقی» تغییر نام داد، آموزش به شیوه کلاسیک غربی در اولویت قرار گرفت.

در برابر جریان آموزش موسیقی غربی، «روح‌اله خالقی» محقق و موسیقی‌دان، در سال ۱۳۲۸ خورشیدی «هنرستان موسیقی ملی» را برای احیای موسیقی سنتی بنیان گذارد. با تدریس استادان برتر در این هنرستان، بسیاری از سازها و نواهای سنتی مهجور ایرانی بار دیگر جایگاه خود را به دست آوردند و این هنرستان بعدها با نام «هنرستان عالی موسیقی ملی» شناخته شد. پس از انقلاب، هنرستان عالی موسیقی و هنرستان عالی موسیقی ملی، در قالبی واحد به فعالیت خود ادامه داد.

**هنرستان هنرپیشگی:** آموزش هنرهای نمایشی در ایران حاصل تلاش «سیدعلی نصر» دولت‌مرد و دست‌اندرکار تئاتر، و برخی هنرمندان اروپا رفته بود. آن‌ها با تاسیس هنرستان هنرپیشگی و تنظیم برنامه درسی، به تقلید از کنسرواتوار هنر دراماتیک پاریس، نسلی را پرورش دادند که بعدها از بازیگران مشهور سینما و تئاتر شدند. چندی بعد «دکتر نامدار» با توجه به برنامه درسی سایر مناطق دنیا، تغییراتی در روند آموزشی هنرستان ایجاد کرد. فعالیت این هنرستان، گامی بزرگ در مسیر رشد و تعالی هنر نمایش ایران بود که با تاسیس «هنرکده آناهیتا» ادامه یافت.

**انجمن خوشنویسان ایران:** لطمه‌هایی که پس از جنگ جهانی دوم به بدنه هنر و فرهنگ ایران وارد شده بود، در سال ۱۳۲۹ خورشیدی به همت خوش‌نویسان مجرب و به‌نام، با تشکیل «انجمن خوش‌نویسان ایران» جبران شد. استادان خوش‌نویس، با طراحی و اجرای برنامه‌ها و حرکت‌های رو به جلو، خوشنویسی را به متن هنر ایران بازگرداندند. در میان سازمان‌های خصوصی هنر، انجمن خوشنویسان ایران بیشترین سابقه فعالیت را دارد.

**دانشکده هنرهای زیبا و دانشگاه هنر:** در سال ۱۳۱۹ خورشیدی، هنرهای نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری، با تاسیس دانشکده هنر، وابسته به وزارت پیشه و هنر، در سطح آموزش عالی مطرح شد، که بعدها نام دانشکده هنرهای زیبا بر آن تثبیت و در محل فعلی مستقر گردید.

«آندره گدار» معمار و ایران‌شناس فرانسوی، با الگوبرداری از مدرسه هنرهای زیبای پاریس-بوزار-سرپرستی دانشکده را به عهده گرفت. برخی از شاگردان سابق کمال‌الملک با همراهی استادان خارجی، در اواخر دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، با اضافه کردن رشته‌های شهرسازی، موسیقی، گرافیک و طراحی صنعتی، در نظام و برنامه‌های آموزشی خود تغییرات کلی ایجاد کردند و فعالیت خود را با شیوه‌ای نو ادامه دادند.

«هنرکده هنرهای تزئینی» نیز که به قصد تربیت کارشناسانی در زمینه هنرهای کاربردی تاسیس شد، امکانی برای ادامه تحصیل فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها به‌وجود آورد. هنرمندانی که در این مکتب تربیت شدند، دو رویکرد عمده را پی گرفتند. گروهی که از هنرهای سنتی مایه گرفت و دیگرانی که شتابان با پدیده‌های جهانی هنر هم‌گام شدند. اکنون این دانشکده با نام دانشگاه هنر به فعالیت خود ادامه می‌دهد. به این ترتیب، حرکتی فراگیر و بی سابقه در همه عرصه‌های هنرهای بصری آغاز شد، که تا امروز ادامه دارد. ●●●

۴- هنرستان کمال‌الملک اکنون در خیابان انقلاب، پیچ شمیران قرار دارد.

۵- استاد حسین طاهرزاده بهزاد، نگارگر تبریزی.

## منابع:

- آژند، یعقوب (۱۳۸۵). «از کارگاه تا دانشگاه»، نشریه هنرهای زیبا، تابستان، شماره ۲۶، ص ۹۳-۱۰۰.
- جباری راد، حمید، (۱۳۸۶). «نخستین مدارس آموزش هنر در ایران»، مجله رشد آموزش هنر، دوره پنجم، شماره دو زمستان، ص ۴۰-۴۹.